

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرشناسه:	پورحسن، قاسم، ۱۳۴۵ -
عنوان و نام پدید آور:	اعتبارات؛ کنش‌ها و برساخت‌های اجتماعی /مؤلف قاسم پورحسن
مشخصات نشر:	تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری:	۳۹۶ ص. وزیری.
فروست:	انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی؛ ۷۱۱.
شابک:	۱-۶۱۵-۲۱۷-۹۶۴-۹۷۸: ۴۵۰۰۰ تومان
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا
یادداشت:	کتابنامه: ص. [۳۸۷] - ۳۹۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع:	طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۲۸۱ - ۱۳۶۰ -- دیدگاه درباره ادراکات اعتباری
موضوع:	Tabatabai, Sayyed Muhammad Husayn-- Viewson Conventional Conception
موضوع:	طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۲۸۱ - ۱۳۶۰ -- نقد و تفسیر
موضوع:	Tabatabai, Sayyed Muhammad Husayn-- Criticism and Interpretation
موضوع:	ادراکات اعتباری
موضوع:	Conventional Conception*
شناسه افزوده:	کلیاسی، حسین، ۱۳۴۱ -
شناسه افزوده:	دانشگاه علامه طباطبائی
رده‌بندی کنگره:	۱۳۹۵ الف/۴ BBR
رده بندی دیوئی:	۱۸۹/۱
شماره کتابشناسی ملی:	۹۹۲۷۴۵۹

اعتباریات؛ کنش‌ها و برساخت‌های اجتماعی

مؤلف:

دکتر قاسم پورحسن

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی



اعتباریات؛ کنش‌ها و بر ساخت‌های اجتماعی

مؤلف:

دکتر قاسم پورحسین

دبیر مجموعه و ناظر علمی:

دکتر حسین کلباسی اشتري

زیر نظر معاونت پژوهشی دانشگاه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۱۷-۶۱۵-۱

ویراستار: صادق عبدالهی ارجنکی

سر ویراستار: دکتر نازیلا فرمانی انوشه

صفحه‌آرا: محمدامین نجفی

طراح جلد: علی قادری

ناظر فنی: عبدالرضا گودرزی

مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی؛ صندوق پستی: ۱۵۸۱۵/۳۴۸۷

فروشگاه آنلاین انتشارات book.atu.ac.ir

سایت مرکز چاپ و انتشارات press.atu.ac.ir

سایت فروشگاه الکترونیکی mybooket.com/atu

آدرس فروشگاه مرکزی: تهران انتهای بلوار دهکده المپیک، دانشگاه علامه طباطبائی

رویه‌روی ساختمان مرکزی جنب باجه بانک ملی تلفن: ۴۸۳۹۳۶۵۹ همراه: ۰۹۹۰۳۴۹۹۹۸۵

چاپ اول ۱۴۰۳ شمارگان: ۲۰۰ قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

پیشکش به

روح بلند علامہ سید محمد حسین طباطبائی

❦ یادداشت ❦

هوالحکیم

اثر حاضر، از زمره سلسله آثاری است پیرامون شخصیت، آثار و آراء علامه سید محمد حسین طباطبائی که در پی اجابت پیشنهاد نگارنده دائر بر نشر مجموعه آثاری در این زمینه، توسط دانشگاهی مزین به نام آن یگانه دوران، انتشار می یابد. در این مجال، با وجود گفتنی های بسیار، تنها به ذکر نکاتی کوتاه اکتفا می کنم.

۱. پیش از این و کمتر از یک دهه قبل و در فاصله سال های ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۹ به اهتمام تنی چند از محققان، شش عنوان کتاب در این زمینه، از سوی «انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی» و در برخی عناوین با مشارکت «انجمن آثار و مفاخر فرهنگی» چاپ و منتشر شد. مشخصات کتاب ها چنین است:

۱. پارسا، محمد کریم (۱۳۹۶)؛ اقیانوس علم و معرفت (در احوالات علامه سید محمد حسین طباطبائی).
۲. حسین کلباسی اشتری (به کوشش) (۱۳۹۶)؛ مجموعه مقالات سپهر مهر (زندگینامه و خدمات علمی و فرهنگی علامه سید محمد حسین طباطبائی).
۳. کلباسی اشتری، حسین و یونسی، آریا (۱۳۹۶)؛ کتاب شناسی علامه سید محمد حسین طباطبائی.
۴. طباطبائی (الهی)، سید محمد حسن (۱۳۹۶)؛ رسائل الهی؛ به کوشش حسین کلباسی اشتری.
۵. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۹۹)؛ شیعه در اسلام (برپایه نسخه اصل)؛ تمهید و تصحیح و تحقیق: محمد کریم پارسا.

۶. اردستانی تهرانی، محمد علی (۱۴۰۰)؛ مدرسه فلسفی علامه طباطبائی (عقلانیت فلسفی اسلامی). برخی از این آثار - به ویژه عناوین اول، پنجم و ششم - مورد اقبال و التفات خاص مخاطبان قرار گرفت و در مدت کوتاهی نسخه های آن ها به اتمام رسید و اکنون و در مرحله نخست، به اهتمام دو تن از صاحبان این آثار، دو عنوان از این عناوین - پنجم و ششم با اضافات و ملحقاتی

همراه با آثار جدیدالانتشار، تجدید چاپ می‌شود. حُسن نظر و اعتماد مسئولان محترم دانشگاه از یک سو و مؤلفان و محققان ارجمند این مجموعه از سویی دیگر، این فرصت را فراهم ساخت که سهمی ولو اندک در گشودن و معرفی زوایایی از حیات علمی و معنوی این سالکِ طریقِ حق و ساکنِ کویِ دوست به نگارندهٔ این سطور واگذار شود و از این بابت خدای را بسیار سپاسگزارم.

۲. طرح تدوین و تألیف این سلسله آثار، پس از شناسایی و احصاء منشورات مرتبط با این عرصه و پس از رایزنی با تنی چند از پژوهشگران، بر پایهٔ این محورها شکل گرفت: الف) نویافته‌هایی از علامه (نوشته‌ها، یادداشت‌ها، اسناد) و ب) تقریرات و آفاقی نو از اندیشهٔ علامه. آنچه که اکنون فراهم آمده، ترکیبی است از این دو و هم مشتمل است بر پژوهش‌هایی از سنخ بازاندیشی و بازخوانی اندیشه‌های علامه و هم از سنخ تتبعات اسنادی، کتابخانه‌ای و میدانی. به باور نگارنده و البته مؤلفان و صاحبان آثار وجه مشترک این مجموعه همان نوآورانه بودن آن‌هاست که امید می‌رود همین تلقی نیز در خوانندگان احتمالی این آثار پدید آید، هر چند دیدگاه مخاطبان گرامی و دریافت نظر آنان برای همهٔ دست‌اندرکاران این مجموعه مغتنم خواهد بود.

۳. باتوجه به تعدد موضوعات و محتوا و نیز تنوع قلم و نگارش مؤلفان این مجموعه، کار پُرزحمت جمع و آماده‌سازی آثار به علاوه طی مراحل فنی برای چاپ و نشر به درازا کشید و از این رو با ملاحظهٔ محدودیت‌های اجرایی، انتشار آثار در دو مرحله به انجام خواهد رسید؛ مرحلهٔ نخست شامل نیمی از عناوین و در آیندهٔ نزدیک، مجموعهٔ دیگری که در حال آماده‌سازی است. در همین جالزم می‌دانم مراتب سپاس خود را نخست از مؤلفان و استادان اندیشه‌مندی که تحقیق و تألیف این آثار را برعهده گرفتند و سپس از تمامی مدیران و همکاران گرامی در حوزهٔ معاونت پژوهشی و به‌ویژه مرکز انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی که ما را با صبوری و همفکری بسیار یاری رساندند، اعلام کنم. بی تعارف و تواضع، هر حُسن و امتیازی در این مجموعه وجود داشته باشد، از آن صاحبان آثار و دست‌اندرکاران نشر و هر کاستی و نقصانی در آن‌ها راه یافته باشد، از جانب نگارنده است.

مهرماه ۱۴۰۳ خورشیدی

حسین کلباسی اشتری

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی

﴿ فهرست ﴾

پیشگفتار.....	۷
گفتار نخست؛ پیشینه تاریخی- پژوهشی اعتباریات.....	۱۷
۱-۱. پیدایی زبان و اعتبار آن	۲۰
۱-۲. فارابی و ساحت‌های زبان	۲۱
۱-۳. حیات اجتماعی و زبان	۲۳
۱-۴. عدم‌التفات به پیشینه‌ها.....	۲۴
۱-۵. سیر تدوین اعتباریات	۲۶
۱-۶. کاربرد زبان و تکامل‌انگاری.....	۲۹
گفتار دوم؛ پرسش از معنای اعتباریات.....	۳۷
۲-۱. گونه‌شناسی تعاریف	۴۱
۲-۲. ارزیابی‌ها و نقدها.....	۴۸
۲-۲-۱. نکته نخست: ساحت‌های گوناگون اعتباریات	۴۸
۲-۲-۲. نکته دوم: معضل حیث‌زبانی اعتباریات.....	۵۰
۲-۲-۳. نکته سوم: سیطره وجه معرفتی بر حیث اجتماعی	۵۱
۲-۲-۴. نکته چهارم: اهمیت کنش آدمی و اعتباریات	۵۲
۲-۲-۵. نکته پنجم: شأن لفظی و معنایی اعتباریات	۵۴
۲-۲-۶. نکته ششم: قلمرو اجتماعی اعتباریات	۵۵
گفتار سوم؛ گونه‌های اعتباریات؛ اعتباریات اجتماعی.....	۵۹
۳-۱. اعتباریات پیشاجامعه (قبل‌الاجتماع)	۶۶
۳-۱-۱. اصل ضرورت (باید)	۶۹
۳-۱-۱-۱. شرح: نخستین اعتبار.....	۶۹
۳-۱-۱-۲. ایده‌ها: نظریه عمل	۷۱

۷۲	 ۳-۱-۱-۳. نتایج معرفتی و نگرش‌ها
۷۴	 ۳-۱-۲. اصل نیکی و بدی (حسن و قبح)
۷۴	 ۳-۱-۲-۱. شرح: ملائمت و عدم ملائمت
۷۵	 ۳-۱-۲-۲. ایده‌ها: تغییرپذیری ملاک‌ها
۷۶	 ۳-۱-۲-۳. نتایج معرفتی و نگرش‌ها
۷۸	 ۳-۱-۳. اصل سادگی و آسانی (انتخاب اخف و اسهل)
۷۸	 ۳-۱-۳-۱. شرح: آسان‌ترین شیوه
۸۰	 ۳-۱-۳-۲. ایده‌ها: پاسخ به تعارض
۸۱	 ۳-۱-۳-۳. نتایج معرفتی و نگرش‌ها
۸۴	 ۳-۱-۴. اصل استخدام و اصل اجتماع
۸۴	 ۳-۱-۴-۱. شرح: سرشت انسان
۸۵	 ۳-۱-۴-۱-۱. مدنی‌الطبع بودن انسان
۸۷	 ۳-۱-۴-۱-۲. استخدام یک‌طرفه و استبداد
۹۱	 ۳-۱-۴-۱-۳. نظام قانونگذاری و روابط عادلانه
۹۳	 ۳-۱-۴-۲. ایده‌ها: خوددوستی و نودوستی
۹۵	 ۳-۱-۴-۳. نتایج معرفتی و نگرش‌ها
۱۰۰	 ۳-۲. اعتباریات بعدالاجتماع
۱۰۳	 ۳-۲-۱. مالکیت
۱۱۳	 ۳-۲-۲. اصل سخن و اعتباریات زبانی-واژگانی
۱۲۲	 ۳-۲-۲-۱. منظر نخست: تأمل فلسفی زبان
۱۲۴	 ۳-۲-۲-۲. منظر دوم: تخصیص و کاربرد
۱۲۴	 ۳-۲-۲-۳. منظر سوم: مناقشه وضع تعینی و تعیینی
۱۳۳	 ۳-۲-۳. قدرت و اصل حکم‌فرمایی؛ ریاست و مرئوسیت
۱۳۹	 گفتار چهارم: اخلاق، الزامات اخلاقی و اعتباریات
۱۴۴	 ۴-۱. تأملاتی در ماهیت اخلاق
۱۵۴	 ۴-۲. حکمت نظری و عملی و اخلاق
۱۵۹	 ۴-۲-۱. معنای عقل: نظری و عملی
۱۷۲	 ۴-۲-۲. کارکردهای متفاوت عقل نظری و عملی
۱۷۸	 ۴-۲-۲-۱. پاسخ نخست: فارابی و پیوند ادراکی دو نوع عقل
۱۷۹	 ۴-۲-۲-۲. پاسخ دوم: ابن‌سینا و اصل ادراک
۱۸۱	 ۴-۲-۲-۳. پاسخ سوم: ملاصدرا؛ حکمت عملی و ادراک و استنباط

۴-۲-۲-۴. پاسخ چهارم: طباطبائی؛ کنش‌ها و دریافت‌های عقلی..... ۱۸۵

گفتار پنجم: اعتباریات و اخلاق..... ۱۸۹

۵-۱. فلسفه بودن و اصول اخلاقی..... ۱۹۳

۵-۲. مطهری و نقدها..... ۱۹۵

۵-۲-۱. توجیه نخست: کمال فردی و نوعی..... ۲۰۰

۵-۲-۲. توجیه دوم: خود فردی و خود اجتماعی..... ۲۰۱

۵-۲-۳. توجیه سوم: من سفلی و من علوی..... ۲۰۱

۵-۳. مناقشه اخلاق و نسبیت؛ حسن و قبح اعتباری..... ۲۰۳

۵-۴. نسبت‌های باید و هست؛ امکان و عدم امکان استنتاج..... ۲۰۷

۵-۵. پرسش از امکان ارجاع گزاره‌های ارزشی به واقع..... ۲۱۱

گفتار ششم: اعتباریات، پیشرفت عقل و ظهور تمدن..... ۲۲۹

۶-۱. مفهوم تمدن..... ۲۳۹

۶-۲. هگل: پیشرفت و ظهور تمدن..... ۲۵۲

۶-۳. مارکس: تمدن و از خودبیگانگی..... ۲۶۳

۶-۴. تمدن: سرکوبی مازاد و اروس؛ نقد فروید بر بنیان تمدن و پاسخ مارکوزه..... ۲۷۴

۶-۵. نوربرت الیاس؛ فرایند تمدن..... ۲۸۶

۶-۶. مطالعه‌ای تطبیقی..... ۲۹۰

گفتار هفتم: اعتباریات؛ چیستی علوم انسانی..... ۳۰۷

۷-۱. سرشت علوم انسانی..... ۳۱۲

۷-۲. انسان و علوم انسانی..... ۳۲۰

۷-۳. آیا علوم انسانی، اعتباری است؟..... ۳۲۶

۷-۴. پرسش از معنای علوم انسانی اسلامی..... ۳۳۵

۷-۴-۱. پیشینه‌ها..... ۳۳۷

۷-۴-۲. رویکردها؛ مخالفت‌ها و دفاعیه‌ها..... ۳۴۰

۷-۴-۳. نظریه توالد علمی..... ۳۶۳

۷-۴-۴. نظریه شراکت و اعتباریات..... ۳۷۰

منابع و مأخذ..... ۳۸۷

نمایه..... ۳۹۹

پیشگفتار

علامه سید محمد حسین طباطبائی نظریهٔ «ادراکات اعتباری» را در آغاز دههٔ سی هجری شمسی به نحو مبسوط طرح کرد؛ اگرچه تاکنون شرح‌ها و نقدهایی بر این نظریه نگاشته شده، به نظر می‌رسد هنوز خوانشی مطلوب و شرحی سزاوار از آن صورت نگرفته است. برخی این نظریه را واکنشی در مقابل جریان‌های چپ دهه‌های بیست و سی تلقی کردند و پنداشتند علامه کوشید تا با تفکیک دو نوع ادراکات، نشان دهد که تمامی ادراکات آدمی از یک سنخ نبوده و هر کدام واجد خصلت‌های ویژه‌ای است. «ادراکات حقیقی» که دائمی و ضروری‌اند باتوجه به امکان دستیابی به معرفت یقینی، تغییر و دگرگونی در آن‌ها راه پیدا نمی‌کند بلکه تغییر، ویژگی خاص «ادراکات اعتباری» است. گروهی دیگر بر این تلقی شدند که علامه درصدد طرح اعتباریات به معنی عام و وسیع آن است. این نوع از اعتباریات که با فارابی در کتاب الحروف و تبیین فرایند پیشرفت عقل آدمی و حیات اجتماعی آغاز شده (البته برخی به نادرست آن را به سهروردی نسبت داده‌اند)، تأثیر نیرومندی در مفاهیم سازی سنت فلسفهٔ اسلامی داشته و علامه پس از طرح ادراکات حقیقی در سه مقاله سوم و چهارم و پنجم، می‌کوشد تا ادراکات اعتباری را در مقاله ششم تبیین نماید.

فیلسوفان اسلامی از زمان فارابی و ابن سینا مسئلهٔ تحقق یا عینیت و اصالت وجود را در تقابلی با اعتباریت آن طرح کردند و این پژوهش را در ذیل نظام هستی‌شناسی آورده‌اند. این رهیافت را باید درون اصالت و اعتباریات عقلی یا حکمت نظری گنجانند و ایرادات سهروردی و تأکید او بر اعتباریت وجود را نیز باید در ساحت نفس‌الامری یا نظری مورد توجه و پژوهش قرار داد. ابتکار فارابی در باب دوم کتاب الحروف^۱ و دیگر آثارش در باب نسبت انسان

۱. قاسم پورحسن؛ فارابی و الحروف؛ ص ۴۸۵-۳۹۷.

و ساحت‌های نظر و عمل، ظهور مدنیت به سبب پیشرفت عقل، مناسبات انسان و جامعه، ایده‌تکوین و تطور عقل بشری و بالاخره چگونگی ظهور و وضع زبان و نسبت آن با ساختار جامعه، امری بدیع و شگرف بود که تنها محدود بر حکمت عملی نبوده و به نوعی تبیین دو سنخ از اعتباریات نظری و نفس‌الامری و اعتباریات عملی یا حیث فعل و قوه‌فعاله انسان می‌باشد. به نظر می‌رسد علامه طباطبائی در طرح نظریه اعتباریات، تأثیر بسیاری از فارابی پذیرفته است.

پرسش بنیادین در باب مبادی اخلاقی-عملی انسان در گستره اجتماعی؛ همچون «خوب و بد»، «باید و نباید»، «ضرورت و ناهضورت»، «هست و واقع»، «حق و تکلیف»، «شایست و ناشایست» و نظایر آن این است که از کجا منشأ می‌یابند؟ آیا این امور و حقایق برخاسته از اعیان و حقایق اند یا برساخته و جعل آدمیان هستند؟ به عبارتی آیا انسان‌ها خوب و بد یا وجوب و ناوجوب را اعتبار و وضع می‌نمایند، یا آن‌ها را کشف می‌کنند؟ آیا می‌توان مدعی شد تمامی امور و جهان‌ها مانند جهان ذهنی، کشف‌شدنی‌اند، یا انسان‌ها حسب نیاز و ضرورت پاسخ به آن‌ها می‌کوشند تا دست به ابداعاتی زبانی و ذهنی زده و آن‌ها را اعتبار و جعل نمایند؟

انسان‌ها در اندیشه فارابی و علامه طباطبائی، مبدع و واضع اعتباریات هستند و بدون اعتباریات، بخشی از حیات فردی و جمعی انسان و نیز بخشی اساسی از نیازهای بنیادین انسان‌ها تعطیل خواهد شد. مسئله تنها محدود به حوزه اخلاق و گزاره‌های ارزشی نیست که انسان‌ها «باید» دست به اعتبار امور اخلاقی بزنند. مسائلی همچون اختیار بشر و نظریه جبر، مسئله زیبایی و زشتی (حوزه زیبایی‌شناسی)، قواعد فقهی (حوزه عمل دینی و اعتبارکردن آن‌ها)، مسئله خیر و شر در عالم (بحثی فلسفی-الهیاتی)، حتی بحث از علم و قدرت و صفات ذاتیه خداوند و اسباب آفرینش برخی موجودات، با اعتباریات گره خورده است. منازعه جبر و اختیار و حسن و قبح از جمله کشمکش‌های اساسی در میان متفکران اسلامی از دوره آغازین محسوب می‌شود که بدون فهم نظریه اعتباریات، تبیینی صحیح از آن‌ها به دست نمی‌آید.

مسئله مهم این است که نظریه اعتباریات تنها تداوم اندیشه حکمت عملی فیلسوفان اسلامی نیست؛ بدین معنی که نمی‌توان آن را صرفاً بحثی در باب حوزه عمل و پراکسیس

برشمرده که نسبت میان انسان و جامعه و عمل آدمی را تبیین می‌سازد، بلکه اعتباریات به نوعی یک رهیافت در شرح بنیان‌های انسان-جامعه‌شناختی است که در آن نسبت میان تطور عقل و پیشرفت جامعه و نیز گستره عمل و اراده اجتماعی انسان تبیین می‌گردد. بنابراین باید نظریه اعتباریات را یک ابداع تئوریک و ابتکاری معرفت‌شناسانه دانست که با رویکرد روانشناسی-معرفت‌شناختی تدوین شده است. علامه طباطبائی اعتباریات را افکار عملی و اجتماعی انسان برمی‌شمارد که آدمی به کمک عوامل احساسی می‌کوشد تا میان دو جهان حقیقی، وساطت برقرار سازد. ایشان به مثابه طرحی بدیع، نظریه اعتبارات را تدوین کرده است. ادراکات اعتباری در افتراقی از ادراکات حقیقی، بخشی از نظام معرفتی است که تا پیش از علامه بدین صورت در فلسفه اسلامی پیشینه‌ای ندارد. گرچه فیلسوفان اسلامی از اعتباریات بالمعنی الاعم (معقولات ثانیه) سخن گفته‌اند، اما اعتباریات بالمعنی الاخص (یا اعتباریات اجتماعی) از ابتکارات بدیع علامه طباطبائی محسوب می‌شود.

«اعتباریات» که در آثار مختلف علامه به ویژه در تفسیرالمیزان، اصول فلسفه، برهان، و نیز رساله اعتباریات مطرح شد، عمدتاً ناظر بر ساحات اجتماعی و عملی است، اما در عین حال بخش مهمی از آن با نظام معرفت‌شناسی در پیوند است. علامه در مقاله‌های سوم تا پنجم اصول فلسفه از ادراکات حقیقی و در مقاله ششم، از ادراکات اعتباری سخن به میان آورده است. اعتباریات نه همچون ادراکات حقیقی، رابطه توالدی و استنتاجی دارند و نه برهانی‌اند. اساس طرح اعتباریات نظریه انسان-جامعه‌شناختی علامه طباطبائی است. این نظریه هم می‌تواند به شناخت صحیح از انسان، نیازها و پرسش‌ها و نیز غایات و اهداف او کمک کند، و هم اسباب شکل‌گیری نظامات جمعی و زندگی اجتماعی، بنیان‌های حقوق و اخلاق جمعی را شرح دهد. نتایج معرفتی اعتباریات را هم می‌توان در مسئله ملک و حکومت اجتماعی ملاحظه کرد که قدرت سیاسی را امری انسانی برمی‌شمارد و هم در کشمکش‌های امروزی علوم انسانی مشاهده کرد و هم در فهم چگونگی ظهور عقل و نقش آن در تمدن یا وضعیت برتر دانش و عقلانیت به کار گرفت.

علامه طباطبائی در تبیین نوع نسبت میان اندیشه آدمی و افعال او، ادراکات اعتباری را تدوین نمود. به عبارتی، اعتباریات نظریه‌ای است که هم روند تطور عقل و اجتماع بشری را شرح می‌دهد و هم نسبت میان فعل آدمی و این سنخ از علوم را بیان می‌دارد. خاستگاه

اعتباریات، ذهن و مفروضات ذهنی است و برخلاف ادراکات حقیقی، در بیرون از فرض‌ها و اعتبارهای ذهنی تحقق ندارند. این‌گونه معانی را که بر امور خارجی‌ه منطبق می‌سازیم، بدون اعتبار و تعقل ما نمی‌توانند در ظرف واقع، تحقیقی داشته باشند؛^۱ با این حال چنین نیست که اعتباریات نسبتی با واقع نداشته باشند. اعتباریات باید مبتنی بر خارج باشند و با حقایق خارجی نسبتی داشته باشند. روند شکل‌گیری اعتباریات دلالت بر این دارد که بالحاظ واقع و نگرستن در حقایق است که ذهن می‌تواند معانی و مفاهیمی را شکل دهد، مفاهیمی که بدون آن، حیات عملی و اجتماعی انسان ناممکن خواهد بود.

معانی اعتباری به تأکید علامه، ریشه در واقعیات و حقایق داشته و از معانی حقیقی اتخاذ می‌گردند؛ در غیراین صورت ذهن انسان قادر بر خلق و ابداع آن‌ها نیست. علامه در دومین رساله از کتاب انسان از آغاز تا انجام توضیح می‌دهد مفاهیم اعتباری جزو انتزاعات بی‌بنیاد نیستند که انتزاع محض جهان ذهنی باشند، بلکه ذهن اساساً نمی‌تواند از پیش خود و بدون استعانت از خارج، این معانی را ایجاد و خلق نماید. انتزاع و ابداع یا اعتبار این معانی توسط ذهن به کمک خارج بوده و ذهن این معانی را به توهم اینکه در خارج موجود هستند بر واقعیات و اعیان منطبق می‌سازد و این انطباق، به نحو واحد و یکسان می‌باشد.^۲ مقصود علامه از توهم این است که نسبت میان اعتباریات و حقایق، یک ارتباط یا نسبت حقیقی نیست بلکه وهمی است؛ به این معنا که ذهن توهم می‌کند این معنا از معانی حقیقیه است و حدّ امور واقعی و خارجی را به وی می‌دهد. بنابراین منشأ یافتن این معانی اعتباری بدین روی است که ذهن، امور حقیقیه را به آنچه که فاقد آن است اعطا می‌کند و معانی حقیقیه را در محلی که عادم آن است، قرار داده و جعل می‌کند. به همین دلیل علامه معتقد است در حقیقت، این مفاهیم، وهمی بوده و به عبارتی متعلق به جهان ذهن و اعتبار می‌باشند. علامه به این معانی حتی عبارت «سراب» را نیز اطلاق می‌کند؛ چون حالشان نسبت به معانی حقیقی، حال سراب در میان حقایق و اعیان است؛ بدان سبب که ذهنی و وهمی اند.^۳ به باور علامه معنای «ریاست» را که بدان واسطه یک شخص می‌تواند امور مربوط به

۱. مرتضی مطهری؛ مجموعه آثار؛ ج ۶، اصول فلسفه و روش رئالیسم (پاورقی)، ص ۴۵۵.

۲. سید محمد حسین طباطبائی؛ انسان از آغاز تا انجام؛ ص ۵۰.

۳. همان، ۵۱.

قدرت را تدبیر کرده و اطاعت مردمان یا مرئوسین را جلب نماید، باید درون اعتباریات قرار داد.^۱ ایشان توضیح می‌دهد که مفهوم قدرت یا ریاست یا مالکیت و همانند آن‌ها از امور اعتباری، به پشتوانه تعقل و تصور ما هستی پیدا می‌کنند، در غیراین صورت، باید پذیرفت که در خارج واقعیتی جز انسان و عین خارجی وجود ندارد. به عبارتی اگر اعتبار ما نباشد این معانی عین و اثری در خارج نخواهد داشت. علامه تأکید دارد که این نوع تصدیقات برخلاف حقایق، به حسب اختلاف انظار عقلا، تغییر و تبدل بسیار پیدا کرده و در هر جامعه‌ای مبنا و معنای خاص خود را دارد. حقایق همواره و در نزد همه تغییرناپذیر بوده و از ثبات برخوردارند، اما اعتباریات حسب شرایط، انسان‌ها (عقلا)، جوامع و نیز دوره‌ها و شرایط تاریخی دچار دگرگونی می‌شوند.^۲

اعتباریات قلمروی روشن از درک مناسبات و روابط اجتماعی انسان، نیازهای اساسی آدمی، اهداف و اغراض او در حرکت استکمالی و بالاخره چهارچوبی نیرومند از نظریه‌پردازی در علوم انسانی، اخلاق و قدرت سیاسی عرضه می‌کند. در پژوهش حاضر کوشش خواهیم کرد تا به واسطه تبیین صحیح از معنا و سرشت اعتباریات و نسبت آن با جامعه و انسان، وجوه ابداعات فکری و نظری علامه را بررسی کرده و نتایج و پیامدهای معرفتی آن را مورد توجه قرار دهیم. بر مبنای تقسیم‌بندی ادراکات توسط علامه طباطبائی به دو دسته حقیقی و اعتباری، می‌توان بسیاری از ساحت‌های علوم را در ذیل اعتباریات مورد بررسی قرار داد. براساس این تقسیم‌بندی، می‌توان گفت که بسیاری از حوزه‌های فکری و دانشی همچون اخلاق، فقه، اصول، جامعه‌شناسی، حکمت عملی و نیز مبادی و مفاهیم و گزاره‌های علوم انسانی و مباحث مرتبط با تمدن و قدرت سیاسی ذیل ادراکات اعتباری قرار می‌گیرند. باین وصف، تفسیرهای متعددی از اعتباریات و قلمرو آن صورت گرفته است، به نحوی که برخی معتقدند که نظریه اعتباریات، رویکردی برای تبیین فعل و کنش انسان است. دیدگاهی دیگر تصریح دارد که اعتباریات تنها منحصر بر قلمرو قراردادی است و ادراکات اعتباری طرحی است تا پدیدارهای جمعی را براساس نظریه قرارداد اجتماعی، درون علوم انسانی مطالعه کند.^۳ این

۱. همان، ص ۴۹-۵۰.

۲. همان، ص ۵۰.

۳. ر.ک: علی مصباح؛ «نقد و بررسی مبانی تجربه‌گرایی در علوم انسانی»؛ ص ۱۱۹-۱۴۲.

رویکرد به آرای فارابی در کتاب الحروف نزدیک است. با این وصف، تفسیرهای محدودی از اعتباریات علامه صورت گرفته که به رغم اهمیت داشتن این تفسیرها، نمی‌توان آن‌ها را شرحی اصیل یا بنیادین برشمرد.

از جهت دیگر، علامه در صدد نبود تا دانش‌ها و به‌طور خاص علوم انسانی را به دو سنخ توصیفی و دستوری تقسیم نماید؛ گرچه می‌توان این تقسیم‌بندی را به‌طور طبیعی از اعتباریات برداشت کرد. نباید پنداشت که نظریه اعتباریات چیزی جز علوم دستوری نیست؛ چون علامه علاوه بر حیث «باید» و «نباید» و «دستوری» اعتباریات، به وجه توصیفی آن نیز التفات داشته و مبانی معرفت‌شناختی از آن به دست می‌دهد. به همین سبب اعتقاد داریم که علامه علاوه بر ویژگی برساختگی ذهنی ادراکات اعتباری، بر حیثیت بنیانی بودن آن در علوم و توصیف شالوده‌های دانش‌ها تأکید داشته و می‌توان از اعتباریات، طرح‌ها و الگوهای برای تبیین حوزه‌های علوم انسانی به دست داد؛ چون الگوها به مثابه بنیان‌ها عمل می‌کنند و توانایی جهت‌بخشی و راه‌بردن را دارند. به عبارتی می‌توان میان علوم انسانی تمایز قائل شد و آن‌ها را به سنخ‌هایی همچون علوم سازگار با اخلاق و علوم بی‌اعتنا به آن و یا دانش‌های استوار بر ارزش‌های الهی و انسانی و غیرالهی-انسانی تقسیم‌بندی کرد. شاید بتوان گفت که تمامی دانش‌ها علاوه بر خاستگاه تکوینی و طبیعی، منشائی انسانی و اعتباری دارند. از این حیث می‌توان از تمدن مبتنی بر ارزش‌های انسانی-اخلاقی و تمدن غیرانسانی-غیراخلاقی سخن گفت. بر همین مبنا، می‌توان علوم را به علوم هنجاری و حتی دینی و غیرهنجاری تقسیم کرد. ایده علوم انسانی اسلامی در ذات و شالوده اساسی آن نادرست نیست و می‌تواند مبنای تأملات متفکران دینی قرار بگیرد. مقصود این است که اعتباریات با توصیف و دستور توأمان در پیوند بوده و می‌توان از نقش تبیینی و الگویی آن سخن گفت.

حقیقت این است که نظریه اعتباریات علامه طباطبائی، یک ابداع تئوریک و ابتکاری معرفت‌شناسانه است که با رویکرد روان‌شناسی-معرفت‌شناختی تدوین شده است. این دیدگاه می‌تواند چنان تأثیر ژرفی بر حوزه‌های انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، حقوق، علم اخلاق، قدرت سیاسی و نظام حکومتی و بالاخره ماجرایی بی‌فرجام علوم انسانی در ایران برجای نهد که بسیاری از تلقی‌ها و بنیادها را در معرض دگرگونی قرار دهد. بدون فهم صحیح مفاهیم، رویکرد و روش بحث و پایه‌های اساسی آن و نیز تقسیمات جایگزین ناپذیری که

علامه عرضه می‌کند، نمی‌توان از اهمیت و جایگاه این بحث آگاهی پیدا کرد. بدین منظور باید روش دقیق و صحیح علمی را در این پژوهش به درستی لحاظ کرد تا نتایج موردانتظار را روشمندانه استخراج نمود.

اعتباریات، طرحی نو در تبیین نسبت انسان با جهان و اجتماع است، از این رو هم نظریه‌ای فلسفی و معرفت‌شناختی است و هم طرحی انسان‌شناسی - جامعه‌شناختی است. به عبارتی می‌توان گفت که اعتباریات همان رهیافت انسان‌شناسی علامه طباطبائی است که با منظر علم‌الاجتماع او امتزاج پیدا کرده است. این نظریه هم شرحی بر اهمیت شناخت صحیح از انسان و نیازها و پرسش‌ها و غایات و اهداف او است و هم تبیینی از چگونگی شکل‌گیری نظامات جمعی و حیات مدنی و شالوده‌های اخلاق جمعی و حقوق زیستی است که به نظر می‌رسد تأملات علامه در این باب، متأثر از آرای فارابی در باب مدینه و انسان باشد که در کتاب الحروف و نیز آراء اهل المدینه الفاضله و مضاداتها بنیان‌های آن را پی ریخته است. تأثیرات و قلمرو اعتباریات را می‌توان علاوه بر مطالعات انسان‌شناختی و علم‌الاجتماع، در اخلاق، علوم انسانی، قدرت سیاسی و ساختار قدرت دید. اعتباریات را باید منطقی نوبه تبیین مناسبات انسانی - اجتماعی با تأکید بر پیشرفت عقل و جامعه دانست که در آن بر فرایند ظهور مدنیت و پیوند آن با تطور عقل بشری تأکید می‌شود.

اثر حاضر با عنوان فرعی «پژوهشی در چیستی اعتباریات و گستره معرفتی آن، بازخوانی دیدگاه علامه طباطبائی» بخشی از مطالعات نگارنده در حوزه میراث اسلامی و پاره‌ای از تحقیقات او در باب حکمت عملی فیلسوفان اسلامی است. در پژوهش‌های دیگر، حکمت عملی فارابی و ابن‌سینا را مورد پژوهش قرار داده است که بخشی از مطالعات در باب فارابی در چهار اثر پیشین وی انتشار یافته و مجلد دوم از مطالعات در باب ابن‌سینا در حال تدوین است.

پژوهش پیش رو در هفت گفتار متفاوت و با مسائل و موضوعاتی متمایز و مختلف فراهم آمده که بدون تأمل درخور، نسبت میان آن‌ها عیان نخواهد شد. پس از پیشگفتاری در تبیین و شرح اهمیت و جایگاه حکمت عملی فیلسوفان مسلمان و عدم التفات محققان به آن؛ در گفتار نخست، پیشینه تاریخی - پژوهشی اعتباریات بررسی می‌شود که در آن ضمن تبیین پیشینه‌ها، بر مسئله زبان و طرح آن توسط فارابی در الحروف و نسبت آن با

اعتباریات و نیز اهمیت منظر کاربردی و تکامل‌انگاری زبان مورد توجه قرار می‌گیرد. پرسش از معنای اعتباریات، عنوان اصلی گفتار دوم است که در آن به بررسی گونه‌شناسی تعاریف، ساحت‌های مختلف اعتباریات، وجه زبانی- معرفتی اعتباریات، مسئله بنیادین کنش آدمی و قلمرو اجتماعی اعتباریات پرداخته می‌شود.

گفتار سوم به اقسام و نسخ‌های گوناگون اعتباریات اختصاص دارد. در این گفتار، اعتباریات پیشاجتماع و پساجتماع طرح می‌گردد. در مبحث پیشاجتماع، چهار اصل ضرورت (باید)، اصل نیکی و بدی (حسن و قبح)، اصل سادگی و آسان (انتخاب أخف و أسهل) و نیز اصل بسیار مهم استخدام و اجتماع بحث می‌شود و مناقشات مربوط به سرشت انسان و نظام قانونگذاری و نیز نظریه خوددوستی و نعدوستی مورد بررسی قرار می‌گیرد. اصل مالکیت و سخن و اعتباریات زبانی-واژگانی، قدرت و اصل حکم‌فرمایی در اعتباریات پساجتماعی تبیین می‌شود.

گفتارهای سه‌گانه بعدی به نتایج و دستاوردهای معرفتی و انضمامی نظریه اعتباریات اختصاص دارد. در گفتار چهارم، مسئله اخلاق و شایست‌ها و ناشایست‌های اخلاقی و نسبت آن با اعتباریات طرح شده و مناقشات شارحان و شاگردان علامه همچون مطهری، مصباح، حائری و جوادی آملی در باب گزاره‌های اخلاقی و نزاع منشأ و خاستگاه افعال اخلاقی و تفاوت آن با غایات و ثمرات فعل بررسی می‌شود؛ در ضمن آن مسئله بسیار مهم امکان و عدم امکان استنتاج «باید» از «هست» و امکان ارجاع گزاره‌های ارزشی و هنجاری به واقع، مورد موشکافی تفصیلی قرار می‌گیرد.

اعتباریات، پیشرفت عقل و ظهور تمدن در گفتار پنجم مورد توجه و مطالعه قرار می‌گیرد. مفهوم تمدن، منظرهای گوناگون متفکران مهم در باب تمدن و نظریه پیشرفت (کانت، هردر، هگل و مارکس)، مناقشات مهم فروید و مارکوزه در باب دستاوردهای سلبی و ایجابی تمدن، امکان ظهور دادن تمدنی اخلاقی و انسانی و نیز مسئله مهم اعتباریات و فرایند تمدن درون یک مطالعه تطبیقی به نحوی انتقادی بحث می‌شود.

فرجامین گفتار به اعتباریات و چیستی علوم انسانی اختصاص دارد که در آن سرشت علوم انسانی، انسان و علوم انسانی و نیز پرسش از اعتباری بودن علوم انسانی طرح می‌شود. شاید بتوان گفت که انضمامی‌ترین بحث در باب اعتباریات و علوم انسانی به پرسش کنونی

جامعه ایران (و شاید جوامع اسلامی) در باب امکان یا امتناع علوم انسانی اسلامی و علم دینی بازمی‌گردد. به همین منظور، در باب‌هایی مسئله فوق بحث و بررسی شده و رویکردها و ادله موافقان و مخالفان بدون جانب‌داری و با التزام به روش پژوهش علمی، تبیین می‌شود. در پایان دو نظریه بنیادین یعنی نظریه توالد علمی و نظریه شراکت در علم به طور مستقل مورد بحث قرار می‌گیرد.

امید می‌برم مجلدات مربوط به حکمت عملی میراث اسلامی که با منظری خاص و به رغم دشواری‌های بنیادین در جریان پژوهش، صورت گرفته و در ضمن آن تلاش شده تا به ساحت انضمامی آن‌ها التفات درخوری شود، در زمان مناسب منتشر شود. موضوع حکمت عملی، استعداد مطالعه تطبیقی را داشته و در آن امکان پژوهشی مقایسه‌ای میان سنت اسلامی و غربی وجود دارد. دیرزمانی است که در میزانی گسترده آثار نویسندگان غربی در حوزه حکمت عملی و اخلاق و نیز موضوعات عینی و انضمامی ترجمه شده و نشر یافته، اما مطالعات اندکی در حوزه اسلامی صورت گرفته و یا پژوهش‌های مؤثر و بنیادین به انجام نرسیده است. به نظر می‌رسد کوشش فیلسوفان و متفکران اسلامی در باب حکمت عملی، اجتماع، انسان و اخلاق به نسیان سپرده شده و محققان و دانشجویان بر این گمان رفته‌اند که سنت اسلامی اساساً فاقد حکمت عملی و دستگاه اخلاقی و نظریه انسان‌شناسی است. وضع پژوهش‌ها در حوزه فرهنگ و دین نیز چندان خرسندکننده نبوده و امروزه کوشش می‌کنیم تا تأملات در باب فرهنگ را از سنت غربی وام گیریم. چنین وضعیتی پریش برانگیز و تأسف بار است و متفکران و محققان باید التفاتی شایسته به شرایط کنونی و عدم اهتمام ما به حوزه اجتماع، فلسفه عمل، انسان‌شناسی، اخلاق و فرهنگ داشته باشند.

ایده‌ها و منظرها و گفت‌وگوها و هم‌سخنی‌های بسیاری پیش از تدوین اثر حاضر شکل گرفته و بی‌تأثیر در روش مطالعه و تبویب و تنسيق باب‌ها و فصول و دفترها نبوده است. ضمن سپاس و قدردانی از آنانی که در تکوین دیدگاه خاص در کتاب حاضر با ما سهیم بودند، لازم است از جناب دکتر حسین کلباسی به واسطه اشتیاق شایسته به میراث ایرانی-اسلامی و تقبل مسئولیت تدوین آثاری چند در باب اندیشه‌های علامه طباطبائی امتنان بسیار داشته باشیم. از همکاری علمی سرکار خانم دکتر زهرا حاجی شاه‌کرم و پدram پورحسن در تدوین، دسترسی به منابع، جمع‌آوری داده‌های مهم و تطبیقی و نیز انجام ویرایش علمی اثر قدردانی

کنیم. همچنین از آقای صادق عبدالحی در انجام ویراستاری ادبی، جناب آقای احمد حاجی شاه‌کرم برای انجام مقابله و نسخه‌خوانی و آقای محمدامین نجفی بابت صفحه‌آرایی و آقای عبدالرضا گودرزی انجام امور اجرایی کتاب سپاسگزاری نماییم.

قاسم پورحسن

بهمن ۱۴۰۲

تهران